

کرامت زن در قرآن

و سخن امام خمینی (ره)

نهله غروی نائینی *

مقدمه

در دورانی که میان ملل متمدن و غیر متمدن موجود در دنیا، زن از جایگاهی پایین تر و پست تر از مرد برخوردار بود، و او را چیزی حد وسط بین انسان و حیوان می پنداشتند و حقوق و موقعیتش را نادیده می انگاشتند، کتاب آسمانی قرآن و دین مبین اسلام ظهور یافته و حیثیت و ارزش زن را به او بازگرداند. در این کتاب الهی می خوانیم که خداوند حکیم به فرشتگان اعلام می دارد که خلیفه ای بر روی زمین خلق می فرماید: و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الأرض خلیفه قالوا اأتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء. (بقره، ۳۰/۲). خلیفه یعنی جانشین، کسی که نماینده الله بر روی زمین باشد؛ از سؤال فرشتگان و پاسخ خداوند معلوم می گردد که هدف از خلق کردن این موجود به کمال رسیدن و ظاهر کردن شایستگی های اوست نه پستی ها و رذایلش، یعنی مقصود به کمال رسیدن و نزدیک شدن به صفات خداوندی است. پس از خلقت این خلیفه (آدم)، خداوند زوج او (حوا) را از جنس همو (آدم) می آفریند تا معاون و مددکار او باشد. جفت آدم در مسایل و اموری که مورد نظر الهی است، از زندگی بر روی کره خاکی تا عبادت خداوند و پیمودن درجات کمال انسانیت با او شریک است و مقامش همان مقام انسانی خلیفه خداست. بنابراین زن همگام با مرد و در کنار او مسؤول است تا بار امانت را بدوش کشد

و راه تکامل پیماید؛ و هدف از آفرینش او انجام وظیفه اش بر کره خاکی و عبادت الله است: ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (ذاریات، ۵۱/۵۶). جن و انسان را خلق نکردم مگر برای پرستیدن.

این مقاله بر آنست تا با طرح کردن نحوه آفرینش زن، به کمک آیات قرآن کریم و سخنانی از امام خمینی (ره) درباره زن، جایگاه او را در زندگی، در مسؤولیت ها، در نزدیکی به خدا، در برابر گناه و ظلم به خود و... مطرح کرده و نشان دهد که جایگاه و نقش زن در خلقت جدای از موقعیت مرد نیست و او نیز انسانی است با کرامت و مقام والای انسانیت و می تواند به مراتب عالی انسانیت دست یابد، همانگونه که زهرا (س) - این الگوی انسانیت، این انسان به تمام معنا - در درجات عالی انسانیت بود؛ زنان هم می توانند با تأسی به روش زندگی و سیره آن بزرگوار به مدارج عالی انسانیت برسند.

امام خمینی (ره) درباره چگونگی موقعیت زن می فرماید:

زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پائین تر از او [می دانستند]، زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید.^۱

۱. کرامت در خلقت انسان

کرامت به معنی عزت و برتری در وجود و جوهره شیء است، در صورتی که نسبت به دیگری احساس برتری و علو نکند.^۲ این واژه به معنای بزرگواری^۳ و نزهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است.^۴ حق تعالی انسان را مفتخر به آفرینشی کریم کرده تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد.

در شرایط دوران جاهلیت و موقعیت پست زن در آن زمان، قرآن کریم نازل شد و با بیان داستان خلقت آدم، آفرینش زن (حوا) را بیان داشت و گفتار یهود درباره خلقت او که حوا از دنده چپ آدم خلق شد را تحت الشعاع قرار داد. در تورات وارد است که خداوند هنگام خواب، یکی از دنده های آدم را برداشت و به جای آن گوشت پر کرد و از آن دنده، حوا را خلق کرد.^۵ این گفتار تورات حکایت از اصل بودن مرد و فرع بودن زن دارد در حالی که

قرآن کریم اصل یکسان و ماهیت یگانه‌ای را برای زن و مرد بیان می‌دارد.

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام تنها زنها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می‌داند که به مرد خدمت نکرده است، شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده؛ اسلام می‌خواهد زن همانطوری که مرد همه کارهای اساسی را می‌کند، زه هم انجام دهد، اسلام می‌خواهد که زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند، می‌خواهد شخصیت به زن بدهد که از شیئیت بیرون بیاید.^۶

خداوند حکیم پس از خلقت آسمان‌ها و زمین و مخلوقات آنها به فرشتگان اعلام می‌دارد که خلیفه‌ای بر روی زمین خلق می‌کند. و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الأرض خلیفه قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء. (بقره، ۳۰/۲)

علمای لغت در باره واژه خلیفه این معانی را ارائه کرده‌اند: «خلیفه کسی است که به جای پیشینیان خود می‌نشیند».^۷ خلافت، نیابت از دیگری است یا با خاطر غیبتش، یا مرگش یا ناتوانانش و یا به خاطر شرافت جانشین شده و نیابت کننده است. بنابر همین وجه خداوند بندگانش را در زمین جانشین خود ساخت.^۸

مفسران در بیان این واژه می‌گویند:

خلیفه بر وزن فعیله، به معنی جانشین شدن فردی در مقام فرد دیگر بعد از اوست. به همین مناسبت به سلطان نیز خلیفه گفته می‌شود چون جانشین سلطان پیش از خود می‌شود.^۹

خلیفه کسی است که پس از دیگری می‌آید و به جای او می‌ایستد.^{۱۰}

خلافت به معنی نشستن چیزی به جای دیگر است. و این زمانی محقق می‌شود که خلیفه در تمام شئون وجودی و آثار و احکام، حاکی از چیزی باشد که به جای او نشسته است.^{۱۱}

خلیفه از خلف، کسی که جای دیگری بنشیند و قائم مقام او باشد و کار او را سامان

بخشد.^{۱۲}

برخی از مفسران معتقدند که: خلافت نامبرده در قرآن اختصاص به شخص آدم(ع) ندارد، بلکه فرزندان او نیز بدون تخصیص در این مقام با او شریکند. آیاتی از قرآن مؤید تعمیم خلافت است از جمله آیه: **ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ**^{۱۳} (یونس، ۱۴/۱۰) آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می کنید. بنابراین این کرامت که جایگاه رفیعی است شامل همه بشریت یعنی زوج آدم و فرزندان او هست.

خداوند متعال با کرامتی که به انسان عطا فرموده او را جانشین خود بر روی زمین معرفی کرده است (بقره، ۳۰/۲). این نهایت کرامت است که انسان بتواند به مقام خلافت و جانشینی حق تعالی برسد. جانشین کسی است که دارای توانایی ها و صفات مستخلف خود باشد، پس چنین مخلوقی به صفات الهی نزدیک شده است که توانسته قائم مقام الله باشد. خداوند هم می فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ**. (اسراء، ۷۰/۱۷) به راستی فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

آیت الله صدر می نویسد:

خلافت مذکور [یعنی کرامت انسانی] مختص شخص آدم(ع) نبوده بلکه برای همه جنس بشری است. ^{۱۴} درباره اینکه جانشینی چگونه است، آمده است: جانشین خداوندی در اجرای احکام و دستوراتش. ^{۱۵}

از ابن مسعود روایت شده که گفت:

خداوند اراده کرد در زمین برای خود جانشینی قرار دهد که حکم او را در بین مخلوقاتش اجرا نماید و آن آدم و فرزندانش بودند. ^{۱۶}

شیخ طوسی می گوید:

مقصود، جانشین خداوند در بیرون آوردن میوه ها و روان ساختن رودها و رویاندن کشت و آبادانی زمین است. ^{۱۷}

چنانکه ملاحظه می شود، شیخ این کرامت انسانی را که جانشینی حق تعالی بر روی کره خاکی است در فعالیت و همّت و کوشش انسان تعریف می کند. انسان خلیفه خداوندی است که درباره خود فرمود:

تبارک اسم ربّک ذی الجلال و الاکرام. (الرحمن، ۷۸/۵۵) مبارک و خجسته باد نام

پروردگار شکوهمند و بزرگوارت . خدای سبحان دارای صفت کرامت است . او که کریم است معلم انسان هاست و هدایت و برنامه خود را به دست سفرای کریم داد، چنانکه می فرماید: **بأیدی سفرة کرام بررة**.^{۱۸} (عبس، ۱۵/۸۰ و ۱۶) بنابراین انسان مورد لطف و عنایت خدای کریم است و آنچه از هدایت به او رسیده توسط صاحبان کرامت رسیده، پس کرامت شامل حال او نیز هست . کامل ترین انسان ها با کرامت ترین آنهاست . چنانچه از امام صادق(ع) از پدر آن حضرت نقل شده که فرمودند .

فرشته ای نزد رسول خدا(ص) فرود آمد و به آن حضرت عرض کرد: شما کریم ترین

فرد در میان همه ساکنان آسمان ها و ساکنان همه زمین هستید .^{۱۹}

سپس حق تعالی پس از اعلام قرار دادن خلیفه بر روی زمین به بیان چگونگی خلقت انسان می پردازد و در آیات مختلف و سور متفاوت نحوه این خلقت را گزارش می کند و پس از بیان خلقت آدم می فرماید که: از این ماده اولیه زوجش را برایش آفریدیم .

بدیهی است که برای انجام وظایف خلیفه خدا، یک تن به تنهایی نمی تواند نقش کافی داشته باشد و نیاز به زوج و همراهی دارد تا هموعان آنها بر روی زمین بسط یافته، خانواده و جوامع مختلف را تشکیل دهند و بر روی زمین زندگی کنند و از نعمت های الهی بهره مند گردند و زندگی اجتماعی پدید آید تا احکام و قوانین الهی در میانشان جاری گردد . پس وجود زوج آدم که قرآن نام او را مشخص نرموده در حالی که در تورات به دو نام حوا و نساء از او یاد شده^{۲۰}، و در روایات به نام حوا خوانده شده^{۲۱}، به عنوان همتا و جفتی که برای پیمودن مراحل زندگی و کامل شدن فرد اول ضروری است از آغاز خلقت برای همکاری و اشتراک در مسایل و وظایف و سختی ها و حمل بار خلیفه الهی خلق شد .

امام خمینی(ره) درباره نظر اسلام نسبت به زن می فرماید:

اسلام بر اساس بنای منطقی خود نسبت به زن یک دید واقع بینانه و متکی بر فطرت و طبیعت و نیازهای حقیقی دارد و حکم الهی نیز متناسب با خواسته ها و

نیازهای گوناگون است .^{۲۲}

۲ . کرامت در آفرینش حوا

آیاتی از قرآن کریم به ماهیت خلقت انسان اشاره دارد که در آن به آفرینش حوا توجه کرده است، چنانکه می فرماید:

۱. خلقکم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها... (زمر، ۶/۳۹) شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد.

منظور از نفس در این کریمه همانا گوهر و ذات و اصل و واقعیت عینی شیء است و مراد از آن معنای روح و روان نیست. بنابراین همه انسان‌ها از هر صنف، خواه زن و خواه مرد از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبدأ قابلی آفرینش همه یک چیز است. ۲۳ و این غیر از آن چیزی است که یهود بدان معتقدند، چنانکه در تورات وارد است که خداوند هنگام خواب، یکی از دنده‌های آدم را برداشت و به جای آن گوشت پر کرد و از آن دنده، حوا را خلق کرد. ۲۴

اختلاف جایگاه و کرامت زن در این دو بیان مشهود است. قرآن کریم زن و مرد را از یک ماده و گوهر معرفی می‌کند در حالی که تورات زن را طفیلی مرد و منشعب از عضوی از او می‌داند.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

هر چند این مسأله (خلقت حوا از دنده آدم) فی نفسه محال نیست اما آیات قرآنی از دلالت بر این معنی خالی هستند. ۲۵

مسأله آفریده شدن حوا از پهلوی آدم، چیزی است که قرآن درباره آن صراحتی ندارد. و عبارت «و خلق منها زوجها» را نیز نباید بر آن معنی حمل کرد، به گونه‌ای که گزارش قرآن همسان گزارش تورات گردد، توراتی که در دست مردم است و آفرینش آدم را بسان یک داستان تاریخی نقل می‌کند. ۲۶

زرارة بن اعین از امام صادق (ع) درباره خلقت حوا سؤال می‌کند و می‌گوید: نزد ما مردمی هستند که می‌گویند خداوند حوا را از بخش نهائی ضلع چپ آدم آفرید. حضرت فرمود:

سبحان الله و تعالی عن ذلك علواً كبيراً، أيقول من يقول هذا ان الله تبارك و تعالی لم یكن له من القدرة ما یخلق لآدم زوجته من غیر ضلعه و جعل لمتكلم من أهل التشیع سبيلاً الى الكلام یقول: ان آدم كان ینكح بعضه بعضاً اذا كانت من ضلعه ما لهؤلاء حکم الله بیننا و بینهم، ثم قال: ...، خداوند از چنین نسبت هم منزّه است و هم برتر از آن است... آیا کسی می‌گوید که حق تعالی توان آن را

نداشت که همسر آدم را از غیر دنده او خلق کند، تا بهانه به دست افراد پست

بدهد که بگویند بعضی از اجزاء آدم با بعض دیگر نکاح کرد... ۲۷.

۲. یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً... (نساء، ۱/۴) ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید.

۳. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا... (اعراف، ۷/۱۸۹) اوست آن که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.

پس یکی از نشانه‌های کرامت و جایگاه زن در آفرینش، مایه سکون و آرامش بودن اوست؛ چیزی که بشر بدان نیازمند است و زندگی پیشرفته و دنیای متمدن، بیش از پیش محتاج این آرامش است. همچنانکه می‌فرماید:

۴. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم، ۲۱/۳۰) از نشانه‌های او این است که از گوهر وجود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید.

پس منشا گرایش مرد به زن و آرمیدن او در سایه انس به زن همانا مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها قرار داد و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزه‌نر و ماده است که در حیوانات هم موجود است. ۲۸.

پس آفرینش زن و مرد از یک گوهر است و مبدأ قابل‌هر دو یکی است. پس کرامتی که خداوند شامل حال بنی آدم (چه زن و چه مرد) کرده است شامل حال زن هست، چنانکه می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا**. (اسراء، ۱۷/۷۰) به درستی که فرزندان آدم را کرامت دادیم و در خشکی و دریا حملشان کردیم و از روزی‌های پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتریشان دادیم، برتری کامل. علامه طباطبایی می‌نویسد:

مقصود از تکریم اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است

که در دیگران نباشد و با همین خصوصیت است که معنای تکریم با تفضیل فرق پیدا می‌کند، چون تکریم معنایی است نفسی و در تکریم، کاری به دیگران ندارد، بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی بشود، به خلاف تفضیل که منظور از آن این است که شخص مورد تفضیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد. خصوصیتی که انسان بر سایر موجودات دارد داشتن عقل است که انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد و موهبت‌های دیگر از قبیل تسلط بر سایر موجودات و استخدام آنها برای رسیدن به هدف‌ها از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز به سبب داشتن عقل حاصل می‌شود. تکریم انسان به سبب خلق شدن آدم (ع) به دست الهی و انتخاب شدن پیامبران الهی از میان انسان‌ها به ویژه خاتم الانبیاء که همه اینها جزء تکریم‌های معنوی است و برتری و فضیلت او نسبت به همه مخلوقات و کامل‌ترین آنهاست چه جمادات، چه گیاهان، چه حیوانات و جن‌ها. ۲۹

۳. کرامت و جایگاه زن در توسعه نسل و مقام مادری

بخشی از آیه اول سوره نساء دلالت دارد که نسل کنونی انسان فقط از آدم و حوا بوده و این دو در توسعه نیروی انسانی نقش یکسان داشته‌اند و چنین نیست که نسل فقط از مرد باشد بلکه زن سهم مشترک خود را در اختیار افزایش نسل انسان قرار داده است. زن با تحمل نه ماه بارداری سخت و پر زحمت و در افزایش یک انسان به نسل بشری بالاترین خدمت‌ها را انجام می‌دهد به ویژه اگر نوزادی سالم و صالح به جامعه بیافزاید. پس از آن دوران نوزادی و خردسالی فرزند را با همه سختی‌ها و مشقّاتش تحمل می‌کند و اگر در تربیت و تعلیم انسانی این فرزند بکوشد و او را با حق تعالی و دین و خوبی‌ها و بدی‌ها و امرها و نهی‌ها آشنا سازد بهترین و بالاترین خدمت را به جامعه کرده است. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند، زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است و زن‌ها نیز انسان ساز، وظیفه زن‌ها انسان سازی است. اگر زن‌های انسان ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به

شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد. ۳۰

۴. کرامت و جایگاه زن در معرفت و شناخت

شناخت و آگاهی، از ابزار کرامت و برتری انسان نسبت به سایر موجودات است. قرآن کریم با مورد خطاب قرار دادن «انسان» با لفظ «الناس» شامل حال زن و مرد است. هنگامی که روح و ملکوت زن تفاوتی با روح و ملکوت مرد نداشته باشد، راه کمال آن نیز شبیه یکدیگر است و زن می‌تواند با افزایش معرفت و شناخت حق و پرورش روح معنوی و دست یابی به عرفان دارای کرامت والای انسانی همانند مرد باشد.

برخلاف آنچه برای زن می‌پنداشتند و او را پایین‌تر از انسان می‌دیدند و علوم و معارف را در خور او نمی‌دانستند، باید گفت که زن در خلقت الهی آن است که زهرا(س) بود؛ همگام خلیفه الله بر روی زمین، زنی است با خصوصیات فاطمه(س) زیرا:

تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا(س) جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است، یک روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان. معنویات، جلوه‌های ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی همه در این موجود - زهرا(س) - مجتمع است. ۳۱

چون در امر ضلالت و گمراهی نیز همانند مرد ممکن است گمراه شود و آیات مربوط به وسوسه شیطان در موضوع خلقت آدم دلالت دارد که شیطان هر دوی آنها را وسوسه و گمراه کرد:

فوسوس لهما الشیطان... (اعراف، ۲۰/۷) آن دو را با فریب به سقوط کشانید...

فدلاهما بغرور... (اعراف، ۲۲) پس (شیطان) آن دو را با فریب به سقوط کشانید...

فازلهما الشیطان عنها... (بقره، ۳۶/۲) پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید...

برای حفظ کرامت و جایگاه خویش، امام(ره) می‌گوید:

همانطوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند، زنها نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشوند، زنها نباید مقام خودشان را منحط کنند، زنها باید انسان باشند، زنها باید تقوا داشته باشند. خداوند همان طوری که

قوانین برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زن هم دارد، زنها نباید گول بخورند. ۳۲

منزلت زن مسلمان بالاتر از غرق شدن و پرداختن به امور بی ارزش است، لذا زنان مسلمان و انقلابی باید مراقب دست‌های پنهان و پلید شیطان و دشمنان باشند. ۳۳

۵. از دست رفتن کرامت در صورت نافرمانی الهی

در داستان خلقت آدم و زوجهش، به فرمان الهی از نزدیک شدن و خوردن از درختی منع می‌شوند، اما به وسوسه شیطان از این امر الهی سرپیچی کرده و این نافرمانی سبب می‌شود که برهنه شوند و زشتی‌هایشان آشکار گردد.

چنانچه حق تعالی خطاب به آدم می‌فرماید: **و یا آدم اسکن أنت و زوجک الجنة فکلا من حیث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین**. (اعراف، ۱۹/۷) ای آدم تو و همسرت در بهشت جای گیرید و از هر چه می‌خواهید بخورید اما به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد.

جایگاه کرامت زن و مرد در این خلقت آن قدر بالاست که خداوند آنها را در بهشت در نزدیک قرب خود جای می‌دهد، اما به سبب نافرمانی، ظالم شمرده می‌شوند و به سبب خوردن از درخت منهی، برهنگی آنها (زشتی‌هایشان) آشکار می‌شود و آنها برای پوشاندن خود به چسباندن برگ درختان بهشت می‌پردازند.

بنابراین نافرمانی امر الهی سبب از دست دادن کرامت نزد پروردگار است و معلوم می‌گردد که ارزش و کرامت انسان به اطاعت از حق تعالی است؛ چنانکه می‌فرماید:

فازلھما الشیطان عنھا فأخرجھما ممّا کانا فیھ و قلنا اھبطوا بعضکم لبعض عدو و لکم فی الأرض مستقرّ و متاع إلی حین... قلنا اھبطوا منھا جمیعاً. (بقره، ۲/۳۶ و ۳۸)

پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند؛ و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد؛ و گفتیم: فرود آید، شما دشمن همدیگرید؛ و برای شما در زمین قرارگاه، و تا چندی برخوردار می‌شوید.

هبوط به معنی انحدر و پائین آمدن قهری است مثل هبوط و افتادن سنگ... و چون در مورد انسان بکار رود بر سبیل استخفاف و سبک شمردن می‌باشد، برخلاف انزال که

در مورد چیزهای شریف استعمال شده، مثل انزال ملائکه و قرآن. ۳۴

علامه طباطبایی می نویسد:

هبوط، خارج شدن چیزی از جایگاهش به فروتر از آن است، این مطلب دلالت می کند بر اینکه هبوط مذکور در آیه، هبوط معنوی است نه نزول از مکانی جسمانی به مکانی دیگر. ۳۵

بنابراین زن همانند مرد در رسیدن به کرامت و افزایش آن و یا از دست دادن آن جایگاهی یکسان دارد و این طور نیست که جزای نافرمانی و یا ارتکاب زشتی و جرم برای زن سنگین باشد، لکن برای مرد آسان گرفته شود. اگر آدم و زوجش اطاعت الهی کرده و مرتکب نافرمانی نمی شدند، کرامت و شأن منزلت خود را که قرب خداوند و بهشت بود از دست نمی دادند.

پس کرامت انسان در اطاعت خداست. باید به انسان آموخت که جز در برابر حق تعالی سر خم نکند و جز او را بندگی ننماید تا گوهر کرامتش آسیب نبیند و به رشد و کمال خود برسد. انسان با اطاعت خدای کریم به اعتلای روحی می رسد و از پستی و فرومایگی پاک می شود. کرامت حقیقی در اطاعت و بندگی حق تعالی است و آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می برد و به سعادت حقیقی اش که همان زندگی پاک و ابدی در جوار رحمت پروردگار می رساند، پروا داشتن از خدا و پاس داشتن حرمت های الهی و تقوا پیشه کردن است.

خدای سبحان تقوا را راه تحصیل کرامت معرفی کرده و با کرامت ترین مردمان را با تقواترین آنها می داند و می فرماید: **ان اکرمکم عندالله اتقیکم**. (حجرات، ۱۳/۴۹) بدرستی که گرامی ترین شما نزد حق تعالی پرهیزگاترین شماست. ۳۶

قرآن کریم نیز زنان رسول خدا(ص) را توصیه به اطاعت از حق تعالی و پیامبرش(ص) می کند، چنانکه در آیات ۳۰-۳۳ احزاب به ایشان می فرماید: **یا نساء النبی... و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحاً نؤتها اجرها مرتین و اعتدنا لها رزقاً کریماً...** و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقمن الصلوة و اتین الزکوة و اطعن الله و رسوله... ای زنان پیامبر... و هر که از شما برای خدا و پیامبرش فروتنی کند و عمل شایسته انجام دهد، پاداش او را دو برابر دهیم و برای او روزی کریمانه مهیا کرده ایم... در خانه های

خویش بمانید و مانند دوران جاهلیت نخستین، خودنمایی نکنید و نماز بپا دارید و زکات بدهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید...

آیه شریفه اطاعت الهی و نیکو عمل کردن را سبب دریافت روزی کریمانه می‌داند. روزی از هر نظر، چه مادی و چه معنوی و کسی که خداوند او را روزی کریمانه دهد، فرد با کرامتی است. مقصود آیه شریفه الگو شدن زنان پیامبر برای سایر زنان است یعنی سایر زنان مسلمان هم در این مطلب باید از زنان پیامبر پیروی کنند. علامه طباطبایی درباره این آیات می‌نویسد:

کلمه (قنوت) به معنای خضوع است و برخی گفته‌اند به معنای اطاعت باشد و بعضی به معنای ملازمت و مداومت در اطاعت و خضوع گرفته‌اند و کلمه (اعتاد) به معنای تهیه کردن است و رزق کریم مصداق بارزش بهشت است و معنای آیه این است که هر یک از شما همسران رسول خدا(ص) برای خدا و رسول او خاضع شود و یا ملازم اطاعت و خضوع برای خدا و رسول باشد و عمل صالح کند، اجرش را دوبار می‌دهیم یعنی دو برابر و برایش رزقی کریم، یعنی بهشت آماده می‌کنیم. در این آیه التفاتی از غیبت به تکلم با غیر (می‌دهیم و آماده می‌کنیم) بکار رفته تا اعلام بدارد که چنین افرادی بدرگاه خدا نزدیکند، و خدا برایشان احترام قائل است، همچنان که سیاق غیبت قبلی می‌فهماند که آنها که مرتکب فاحشه آشکار می‌شوند از خدا دورند و خداوند ذره‌ای ارزش برایشان قائل نیست و همسری رسول خدا هم برایشان اثری ندارد. ۳۷

انسان کریم خدایی را که کریم‌ترین است و کرامت و موهبت اوست، نافرمانی نمی‌کند و گوهر کرامت را به معصیت نمی‌آلاید، چنانکه امیرالمؤمنین فرمود:

من کرمتم علیه نفسه هانت علیه شهواته^{۳۸}؛ هر که کرامت نفس داشته باشد، شهوات و تمایلات نفسانی نزد او خوار و حقیر است.

۶. انتخاب و اختیار نشانه کرامت

انتخاب و اختیار مواردی است که قرآن کریم در داستان خلقت آدم برای زن و مرد یکسان ذکر کرده است.

خوردن انسان از درخت ممنوعه نشانه این است که استعداد این را داشته که برخلاف

نظم جهانی، که تجلی سنت امر پروردگار است عمل کند، این مسئله برای زن و مرد در بیان قرآن یکسان است. از اینجا مسأله اختیار انسان نه تنها در برابر قوانین طبیعی بلکه در برابر امر الهی و اراده الهی هم استنباط می شود. همچنین از این مطلب نتیجه گرفته می شود که انسان ممکن است در برابر اراده خداوند بر اثر وسوسه شیطان از خودش انتخاب دیگری بکند. شجره ممنوعه خودآگاهی عقلی و پی بردن به استعداد عشق در ذات انسان را به انسان اضافه کرده است. ۳۹

امام خمینی درباره اختیار داشتن زن می گوید:

زنها اختیار دارند همانطوری که مردها اختیار دارند، خداوند زن را با کرامت خلق کرده و آزاد خلق کرده است. ۴۰

آزادی که حق تعالی به انسان عنایت فرموده به هیچ مخلوق دیگری حتی فرشته ها عطا نکرده است. این خود معیار دیگری بر کرامت انسان نسبت به سایر مخلوقات است که برای زن و مرد عطا شده است. در احکام و قوانین اسلام آزادی هر دسته مناسب با وظایف و حقوق و توانایی و نیازهای آن دسته تعیین شده و عدالت الهی همواره بر همه قوانین و مقررات اسلامی سایه دارد.

مسائل ارزشی دارای وصف ذکوریت و انوشت نیستند. قرآن کریم مسائل ارزشی را ماوراء جنسیت می داند و جان انسان را مورد خطاب قرار می دهد نه مؤنث یا مذکر را.

۷. کرامت زن در قابلیت هدایت

در امر هدایت الهی برای بندگان تفاوتی نیست. زن و مرد هر دو قابلیت پذیرفتن هدایت را دارند و این مطلب بستگی به شایستگی و لیاقت خودشان است. خداوند رحمان و رحیم هدایت تکوینی خود را شامل حال همه مخلوقات کرده است، چنانکه می فرماید: **الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی**. (طه، ۵۰/۲۰) خدایی که هر چیز را خلق کرد و سپس هدایت نمود. علاوه بر هدایت تکوینی، حق تعالی هدایت تشریحی را نیز شامل حال انسان کرد و به سبب کرامتی که نوع بشر دارد برای راهنمایی او انبیا و کتاب های آسمانی را فرستاد، تا انسان هدایت یابد و به درجات کمال برسد و شأن و کرامت خود را حفظ کند.

در ادامه داستان آدم و حوا می فرماید:

...فَمَا يَأْتِيَكُمْ مَنِّي هَدًى فَمَنْ تَبِعَ هَدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (بقره، ۳۸/۲)

پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایتی را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد.

خطاب یکسان است و تفاوتی در هدایت و پیروی از آن نیست و تنها به قابلیت فرد بستگی دارد.

هدایت الهی شامل حال همه بشر است بنابراین هر که از اوامر و نواهی خداوند پیروی کند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهد، هدایت یابد و فرقی میان زن و مرد نیست. از طرف دیگر زن که منشأ خلقت و حامل فرزند و مربی است می تواند هادی فرزندان و همسر و مردان خانواده باشد. امام خمینی (ره) در این باره خطاب به بانوان می گوید:

شما هدایت کنید مردان را و هدایت کنید و نصیحت کنید دولتمردان را، شما مادران خوبی برای اطفال باشید و ناصحان خوبی برای جامعه و زحمتکشان خوبی برای مستمندان. ۴۱

در جای دیگر می فرماید:

زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان ها پیدا می شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان ها زن است، سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است، زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می کند. مبدأ همه سعادت ها از دامن زن بلند می شود. زن مبدأ همه خیرات است. ۴۲

۸. کرامت زن در پوشیدگی و حجاب و عفت

آنجا که آدم و حوا به سبب عدم اطاعت از سفارش الهی دچار برهنگی شدند و آیات شریفه حکایت از دور شدن از شأن و منزلت انسانی از قرب الهی و به عبارت دیگر نزول از درجه کرامت و شرف دارد، گویای این مطلب است که برهنگی و بی عفتی به معنای پایین و پست شدن است در حالی که پوشیدگی و عفت به معنای داشتن کرامت و ارزش است. چون زن مخلوقی با ارزش است و ناموس الهی است. حق تعالی، پوشش و حجاب و عفت و اختلاط نداشتن با مردهای اجنبی را برای او رقم زده است و برای حفظ شأن خودش او را به نداشتن حجاب و فاصله از مردان توصیه فرموده است:

حجاب زن حقی است الهی. عصمت زن حق الله است و به هیچ کسی ارتباط

ندارد. زن امین الهی است و به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. این مقام و حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داد. ۴۳

در آیه ۳۲ سوره احزاب هم برای حفظ آبرو و شأن همسران رسول الله (ص) می فرماید: یا نساء النبی... فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا؛ ای زنان پیامبر در گفتار آن گونه سخن نگوئید که سبب طمع (مردانی) که در دل بیمارند نشود و نیکو سخن بگوئید.

به زنان دستور داد که هم خوب حرف بزنند و هم حرف خوب بزنند تا مردان که قلبشان مریض است طمع نکنند. این مرض در قلب مرد است چه اینکه زن آنچنان نیست که صدای مرد را بشنود، طمع کند. او از سلامت دل برخوردار است مگر آنکه بیماری تبرج در او پدید آید. صغرای قیاس این است که زنان نوعاً از سلامت دل برخوردارند. کبرای قیاس این است که: در قیامت صاحب‌دلان و سالم‌دلان سالمند. طمع در نامحرم مرض است و بعد فرمود این مرض در مرد است و در این بخش سخنی از مرض زن به میان نیامده است، معلوم می شود زنان از بیماری مخصوص سالم دل اند. ۴۴ و برای حفظ جایگاه و موقعیت خاص ایشان به سبب اینکه همسر بلند مرتبه ترین فرد جامعه، پیامبر الهی هستند آنها را به خودنمایی نکردن و مصون و محفوظ ماندن و اختلاط داشتن با مردان جامعه و اقامه نماز توصیه می فرماید و می گوید: و قرن بیوتکم و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقمن الصلوة. (احزاب، ۳۳/۳۳)

امام خمینی (ره) در این باره می گوید:

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند. در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند. در میدان جهاد و مبارزه (از هر نوع آن) پیشقدم باشد. نسبت به زخارف دنیا و تجملات کم ارزش، بی اعتنا باشد. عفت و عصمت و طهارتش در حدی باشد که چشم و نظر هرزه بیگانه را به خودی خود دفع کند. در محیط خانه دل آرام مرد، شوهر و فرزندانش باشد. مایه آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد. در دامن پر مهر و پر عطوفت و با سخنان پر نکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند. انسان‌های بی عقده، خوش روحیه و سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش

پیدا کند. ۴۵

نیز می گوید:

در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد بلکه زن می تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی توانیم و اسلام نمی خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد، اسلام می خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی دهیم که زنان فقط شیء برای مردان و آلت هوسرانی باشد. احترام و آزادی که اسلام به زن داده، هیچ قانون و مکتبی نداده است. ۴۶

۹. کرامت زن و آزادی

داشتن آزادی معیار کرامت انسانی است. زن نیز مانند مرد آزادی هایی دارد. البته آزادی انسان در درون حدود و مقررات الهی است، زیرا که مالک اصلی همه چیز و همه جا حق تعالی است. اوست که مالکیت را به انسان عطا فرموده و مالکیت انسان مالکیتی استعاره ای و موقتی است. آزادی او هم دارای شرایطی است. وجود مقررات و محدودیت ها هم به سبب کرامت انسانی است. اگر قرآن کریم می فرماید: برای ورود به خانه اجازه بگیرد: یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها. (نور، ۲۴/۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید غیر از خانه های خود داخل خانه های دیگر نشوید، تا آنها را آگاه نساخته اید و سلام بر آنها نکرده اید.

برای این است که صاحب خانه متوجه شود که شخصی می خواهد وارد شود و خود را برای ورود او آماده کند. این محدودیت به سبب کرامت و جایگاه ساکنان خانه که معمولاً زنان هستند، می باشد. برای حفظ خلوت آنها و آزادی درون خانه است که خداوند حکیم قانون و محدودیت مقرر می فرماید.

امام خمینی در این باره می گوید:

شما باید زن را با چشم یک انسان والا نگاه کنید تا معلوم شود که تکامل و حق و آزادی او چیست؟ زن را به عنوان یک وجودی که می تواند مایه ای برای اصلاح جامعه با پرورش انسان های والا بشود نگاه کنید تا معلوم شود که زن چیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر

بگیرید. خانواده اگر چه از مرد و زن تشکیل می شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونی که در فضای خانواده است به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که زن چگونه کمال پیدا می کند و حقوق زن در چیست. ۴۷

بهترین و استوارترین اساس برای تربیت، کرامت انسان ها و نزاهت آنها از حقارت نفس است. انسان به سبب کرامتش از دنیای دون که ریشه همه پستی ها و گناهان است آزاد می شود و خود را برتر از آن می یابد که تن به حقارت های دنیایی دهد. دنیا در چشم انسان کریم خرد می نماید و چنین انسانی هرگز دل به دنیا نمی بندد.

۱۰. کرامت زن در حرفه مادری

گفتیم که زن در توسعه نسل، شریک مرد است. مادر شدن یکی از موهبت های الهی است که خداوند به زن عطا فرموده است. مقام مادر نزد حق تعالی بالاست و خداوند انسان را درباره مادر و پدر بارها سفارش فرموده و از زحمات سی ماهه مادر در سوره احقاف سخن می گوید. برای گرامی داشتن آن دو، رعایت احترام در برابر آنان را مطرح می کند و انسان را درباره مادر و پدر سفارش می کند، چنانکه می فرماید: **ووصینا الانسان بوالدیه**. (لقمان، ۱۴/۳۱)

حق تعالی ضمن سفارش انسان به رعایت حال پدر و مادر، رنج و زحمت مادر را به ویژه یادآور می شود تا انسان فراموش نکند دوران بارداری و وضع حمل و شیرخوارگی را که مادر چه رنج ها و زحمت ها متحمل می شود و آسایش از او صلب می گردد، پس احترام به او و رعایت حال او بر انسان واجب می گردد و این به سبب ارزش و کرامتی است که خداوند به مادر عطا کرده است.

ووصینا الانسان بوالدیه احساناً حملته امه کرهاً و وضعته کرهاً و حملة و فصالة ثلاثون شهراً. (احقاف، ۱۵/۴۶) به ویژه رعایت حال ایشان در کهولت سن را متذکر می شود و احترام به آنها را امر می کند. این به سبب داشتن کرامت و عزت مادر و پدر است که خداوند در قرآن عظیم چنین از ایشان یاد می کند.

و قضی ربک الّا تعبدوا الّا اياه و بالوالدین احساناً امّا یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لاتنهرهما و قل لهما قولاً کریماً. (اسراء، ۲۳/۱۷)

امام خمینی هم درباره ارزش و کرامت مادر و اهمیت موقعیت او در خانواده و تربیت فرزندان می گوید:

شغل اصلی زن، شغل همسری و مادری است ولی بعضی خیال می کنند این اهانت به زن است و مهم ترین کاری که زن می تواند بکند کار مادری است البته در مواردی شاید کارهای اجتماعی زنان واجب عینی و یا کفایی نیز باشد اما در همه حال خانم ها باید فعالیت اجتماعی شان را با حفظ جنبه خانه داری بکنند و الگوهایشان حضرت فاطمه زهرا(س) باشد. ۴۸

ایشان در جای دیگر گفته است:

زن به خاطر همسر بودن و یا ایفای نقش مادری، یک عضو اصلی در هر خانواده ای است و در این مجموعه جایگاهی رفیع و بسیار اساسی دارد. این مباحث بسیار مهمی است که باید روی آن تأمل شود زیرا هنگامی که اصل خانواده متزلزل گردد، زن هم جایگاه خود را نخواهد داشت. ۴۹

امام(ره) شغل مادری را همانند شغل انبیاء می داند و می گوید:

شغل مادرها مانند شغل انبیاء است که برای تزکیه انسان ها آمده اند. در دامن مادر، بچه ها بهتر تربیت می شوند تا در پیش استادان، علاقه ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می شنود در قلبش نقش می بندد و تا آخر همراهش است مادرها باید توجه به این معنا کنند که بچه ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامن هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از فرد دیگری ساخته نیست. آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک تأثیر دارد و به او منتقل می شود از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیراتند و اگر خدای نخواسته مادرانی باشند که بچه ها را بد تربیت کنند، مبدأ شرند. یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات دهد. ۵۰

نیز آن رهبر از دست رفته در کلام دیگری خطاب به بانوان فرمود:

شما بچه های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند. در دامن شما اینها اسلامی

بار بیابند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیابند، با ایمان بار بیابند تا در این مملکت بتوانند خدمت کنند. ۵۱

درباره نقش مادر و پدر در تربیت فرزندان و تأثیر آن در سرنوشت کشور، امام خمینی (ره) می فرماید:

نقش خانواده و خصوصاً مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان تر خواهد بود. اساساً تربیت از دامن پاک مادر و جوار پدر شروع می شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان، استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود. ۵۲

نتیجه

زن همچو مرد، مخلوق حق تعالی است که از همان ماده و همان حقیقت خلق شده است و دارای کرامت انسانی است که خداوند به او اعطا فرموده و این کرامت در اطاعت از الله و پیامبرش نهادینه شده و با افزایش آن و خلوص در آن افزایش می یابد و در صورت نافرمانی از دست می رود. کرامت زن در معرفت و شناخت در اختیار و انتخاب، در قابلیت هدایت، در پوشیدگی و عفاف، در داشتن حق آزادی، در جایگاه مادری نمود دارد و موظف است که کرامت خود را حفظ نماید تا از شهوات و هوی و هوس ها در امان بماند. زیرا که برای تعلیم و پرورش نسل انتخاب شده است و معلم باید دارای صفات کمال باشد تا آموزشش در دیگران اثر کند.

-
- *دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش، ۱۸۵/۶.
 ۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارة الشقافة و الارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ۴۶/۱۰.
 ۳. فرهنگ معین، ۲۹۲۹/۳.
 ۴. عبدالله جوادی آملی، کرامت در قرآن، چاپ سوم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 ۵. تورات، سفر تکوین، باب دوم، ش ۲۰-۲۲.
 ۶. صحیفه نور، ۸۲/۳.
 ۷. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، قم، مؤسسه دارالهیجة، ۱۴۰۵ هـ، ۲۶۷/۴.
 ۸. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، دارالکتاب العربی/ ۲۹۳-۲۹۴.

۹. محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن)، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹.
۱۰. فخر الدین رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ۱۶۵/۲.
۱۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات العربی، بیروت، ۱۱۵/۱.
۱۲. محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار، بی تا، ۱۱۲/۱.
۱۳. المیزان، ۱۱۶/۱.
۱۴. محمد باقر صدر، خلافة الانسان و شهادة الانبیاء، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳/م ۱۹۷۹.
۱۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱/ ۹۳؛ سید محمد آلوسی، احمد بهجت، انبیاء الله، چاپ هجدهم، قاهره، دارالشروق، ۱۹۹۰، م/۳۳.
۱۶. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۹۲/۱ - ۹۳.
۱۷. همان.
۱۸. مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۸۰، ۲۰۶.
۱۹. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ۱۱/۲۷.
۲۰. تورات، سفر تکوین، باب دوم، شماره ۲۳ و همان، باب سوم، شماره ۲۰.
۲۱. جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق، ۱/۵۲؛ بحار الانوار، ۲۶۵/۶۳.
۲۲. صحیفه نور، ۶۹/۱۰.
۲۳. جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ چهارم، ۱۳۷۴/۳۴.
۲۴. تورات، سفر تکوین، باب دوم، ش ۲۰ - ۲۲.
۲۵. المیزان، ۱۳۶/۴ و ۱۴۷.
۲۶. محمد رشیدرضا، تفسیر القرآن الحکیم، الشهیر بتفسیر المنار، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفة، ۲۷۹/۱.
۲۷. ابن بابویه قمی، علل الشرایع، تقدیم محمد صادق بحر العلوم، مؤسسه التاریخ العربی، ۱/ ۶۶.
۲۸. زن در آئینه جلال و جمال، ۳۹.
۲۹. المیزان، ۱۳/۱۶۶ - ۱۶۷.
۳۰. صحیفه نور، ۱۱/۲۵۳.
۳۱. همان، ۶/۱۸۵.
۳۲. همان، ۲۵۴.
۳۳. همان، ۹.
۳۴. مفردات، ۸۳۲.
۳۵. المیزان، ۲۹/۸ - ۳۰.
۳۶. سیری در تربیت اسلامی، ۲۰۸/۱۸، المیزان، ۳۲۷.
۳۷. المیزان، ۲۲/۳۰۸.
۳۸. کلمات قصار ۴۴۹، محمد دشتی - کاظم محمدی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسین، ۱۴۰۶/۱۲۴.
۳۹. علی شریعتی، جهان بینی و ایدئولوژی، چاپ اول، تهران، انتشارات مونا، آگاه، ۱۳۶۱ ش ۳۱۸ - ۳۱۹.
۴۰. صحیفه نور، ۱۱/۲۵۴.
۴۱. همان، ۱۴/۱۳۰.
۴۲. همان، ۶/۱۸۶.
۴۳. زن در آئینه جلال و جمال، ۴۳۵/۴۳.
۴۴. همان، ۲۰۵/۴۴.
۴۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۳/۷/۲۱.
۴۶. صحیفه نور، ۴/۱۰۳.
۴۷. روزنامه جمهوری، ۷۱/۹/۲۶.
۴۸. همان، ۲۲/۱۲/۶۳.
۴۹. همان، ۱۷/۱۰/۶۹.
۵۰. صحیفه نور، ۸/۱۶۲، نکته: این قسمت از سخن امام را در وجود مبارک خود آن جناب می توان مشاهده کرد که سبب نجات ملت ایران شد.
۵۱. همان، ۷/۲۴۹.
۵۲. همان، ۱۵/۱۶۱.